

تصحیح چند بیت از دو قصیده غضائری (غضاری) رازی

۱۰۷-۱۱۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده: محمد بن علی غضاری از شاعران مداح امرای آخر دینمی و از ستایشگران محمود غزنوی است. او بسیار مورد توجه سلطان محمود بوده و به سبب مدایحی که برای محمود می‌سروده، از وی عطایای کثیری دریافت می‌کرده؛ آنچنان که محسود شاعران دربار غزنوی بوده است. ظاهراً به همین سبب، جدالی لفظی بین او و عنصری، ملکشعرا دربار غزنویان، درگرفته که در شعر ایشان بازتاب یافته است. قصیده لامیه مشهور غضائری در جواب ایرادهایی که عنصری بر شعر او گرفته، سروده شده است. مقاله پیش رو اختصاص دارد به تصحیح چند بیت از دو قصیده غضائری که در دیوان عنصری به چاپ رسیده است. بیشتر این تصحیحات به ایراد تکرار قافیه مربوط می‌شود.

کلیدواژه: غضائری رازی، تصحیح متن، نظم فارسی، محمد دبیرسیاقی، یحیی قریب

Editing of Some Verses from Two Odes by Ghaḍāiri (Ghaḍāri) Rāzī

Razia Abadian

Abstract: Muhammad bin Ali Ghaḍāri is one of the praising poets of the last rulers of Daylamites and one of the praisers of Maḥmud Ghaznavī. He was highly regarded by Sultan Mahmud and because of the praising poets he said for Mahmud, he received many gifts from him in a way that other poets of the court envied him. Apparently, for this reason, there was a dispute between him and 'Unṣurī, the poet laureate of the Ghaznavid court, which was reflected in his poetry. Ghaḍāiri's famous Lāmiyyah ode was written in response to the criticism that Unṣurī had about his poetry. The following article is devoted to the correction of some verses of two odes by Ghaḍāiri that were published in Divan Unṣurī. Most of these corrections are related to the repetition of the rhyme.

Keywords: Ghaḍāiri Rāzī, Text Correction, Persian Grammar, Mohammad Dabir Siaghi, Yahya Gharib

پیشگفتار:

محمد بن علی غضائری رازی از شاعران مدّاح امرای آخر دیلمی و نیز مدّاح سلطان محمود غزنوی است. لقب او را غضائری و غضاری، هر دو، نوشته‌اند. خود در اشعارش «غضایری» آورده و عنصری نیز او را به همین نام خوانده است^۱، اما بعضی دیگر او را «غضاری» خوانده‌اند^۲ (نیز نک: صفا، ۱۳۸۵: ۱/ ۵۷۰-۵۷۱). غضائری مدایحش را از ری به دربار سلطان محمود غزنوی می‌فرستاده و از محمود صله درخوری دریافت می‌کرده^۳ که چنانکه مشهور است، همین امر او را محسود شاعران دربار غزنوی کرده است. خود غضائری در قصیده لامیه معروفش، به کثرت عطایای محمود اشاره کرده است:

اگر کمال به جاه اندرست و جاه به مال مرا بین که بینی کمال را به کمال...

بس ای ملک که نه لولو فروختم به سلم بس ای ملک که نه گوهر فروختم به جوال

(غضائری ← عنصری، ۱۳۶۳: ۱۷۴)

عنصری، ملک الشعراء دربار غزنوی، ایراداتی بر همین قصیده غضائری گرفته است در قصیده‌ای با مطلع

خدایگان خراسان و آفتاب کمال که وقف کرد بر او ذوالجلال عزّ و جلال

(عنصری، ۱۳۶۳: ۱۸۰)

و غضائری نیز در پاسخ، در قصیده‌ای دیگر، به دفاع از شعرش پرداخته است، به مطلع زیر:

پیام داد به من بنده دوش باد شمال ز حضرت ملک مال بخش دشمن مال

(غضائری ← عنصری، ۱۳۶۳: ۱۸۹؛ نیز نک: صفا، ۱۳۸۵: ۱/ ۵۷۲؛ فروزانفر، ۱۳۵۸: ۱۲۲)

این دو قصیده غضائری در دیوان عنصری و در کنار آن قصیده عنصری که در نقد غضایری است، درج شده است.

موضوع این مقاله، تصحیح چند بیت از همین دو قصیده غضائری رازی است. شادروان یحیی قریب در چاپ خود از دیوان عنصری (۱۳۴۱: ۲۰۱-۲۰۸) تنها به آوردن قصیده اول از غضائری (که مورد انتقاد

۱. کجا شریف بود چون غضایری بر تو
(← عنصری، ۱۳۶۳: ۱۷۹)

۲. ایا غضایری ای شاعری که در دل تو
(عنصری، ۱۳۶۳: ۱۸۷)

۳. با من ز فزت ارجو آن عزّ و ناز باشد [کذا]
(منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۱۲)

۴. مسعود سعد سلمان (۱۳۹۰: ۳۹۳) نیز به این امر اشاره کرده است:
هزار دینار او بستندی ز ز جلال به هر قصیده که از شهرری فرستادی

عنصری قرار گرفته) بسنده کرده، اما مرحوم دبیرسیاقی هر دوی این قصاید را در چاپ خود آورده است (نک: صص ۱۷۴-۱۷۹ و ۱۸۹-۱۹۲).

پیش از شروع تصحیح این ابیات، دستنویس‌هایی را که در این مقاله مورد استفاده نگارنده قرار گرفته و نیز در تصحیح آن دو مصحح به کار رفته‌اند، همراه با نشانه اختصاری آن‌ها می‌آوریم:

«ق»: نسخه خطی کتابخانه عبدالعظیم خان قریب، به تاریخ ۱۲۶۲ ه.ق.

«ب»: نسخه خطی کتابخانه عبدالعظیم خان قریب، به تاریخ ۱۲۶۶ ه.ق.

«ر»: نسخه خطی ناقص اما به گفته قریب نسخه نسبتاً کهنه بی‌تاریخ (درباره این نسخ، نک: قریب ← عنصری، ۱۳۴۱: ۳۳، مقدمه).

افزون بر این‌ها، دستنویس‌های دیگری نیز مورد استفاده پژوهنده قرار گرفته است. یکی از این نسخ جنگ خلاصه الاشعار و زیده الافکار است که در سال ۱۰۰۷ ه.ق، به دست تقی‌الدین محمد بن شرف‌الدین علی‌الحسینی الکاشانی کتابت شده است. در این جنگ (گ ۳۸-۳۹) قصیده اول غضائری و نیز قصیده عنصری، هر دو، درج شده‌اند. در پژوهش پیش رو، از این دستنویس با نام اختصاری «ک» یاد می‌شود.

همچنین در مونس الاحرار فی دقایق الاشعار بدر جاجرمی (۱۳۵۰: ۲/ ۴۶۳-۴۶۷) نیز قصیده اول غضائری درج شده است. این اثر در سال ۷۴۱ ق تألیف شده است. نام اختصاری این اثر در این مقاله «مونس ۱» خواهد بود.

نیز در مونس الاحرار فی دقایق الاشعار احمد کلاتی (ص ۵۹۳-۶۰۱) قصیده اول از غضائری و نیز قصیده عنصری را می‌توان دید. نام اختصاری این دستنویس در مقاله «مونس ۲» است.^۵

جز این موارد، در مجمع الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۲: ج ۱، بخش ۱/ ۱۳۵۷-۱۳۷۸) نیز هر دو قصیده غضائری و قصیده عنصری را می‌توان دید. برخی از اشکالات ابیات غضائری در این اثر برطرف شده که به آنها در پایان مقاله اشاره خواهد شد.

اینک به بررسی و توضیح اشکالات موجود در بعضی از ابیات دو قصیده غضائری می‌پردازیم که چند مورد از آنها در چاپ هر دو مصحح دیوان عنصری و چند مورد نیز تنها در چاپ دبیرسیاقی به اشتباه تصحیح شده‌اند:

۵. در دستنویس‌های بی‌شمار دیگری نیز می‌توان این اشعار غضائری را دید؛ از جمله در جنگ شماره ۴۴ کتابخانه مجلس (ص ۲۰۰-۲۰۲) که قصیده اول غضائری در آن آمده و نیز در جنگ شماره ۵۳- د کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (ص ۳۵۶) که ۱۲ بیت از این قصیده در آن کتابت شده است. از آنجا که ضبط‌های این دو جنگ کمکی به تصحیح ابیات در مقاله پیش رو نکرده، در این پژوهش از آنها استفاده نشد.

ص ۱۷۸، بیت ۱:

کجا عطا دهد این ره که باز گردد پیل ز بدره باز ندانسی مغاک را ز اطلال

این بیت در مجمع الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۲: ۱/۱۳۶۱) نیز به همین شکل آمده و در چاپ یحیی قریب نزدیک به همین صورت آمده است:

اگر عطا دهد این ره که باز گردد پیل ز بدره باز ندانسی مغاک را ز اطلال

(← عنصری، ۱۳۴۱: ۲۰۶)

در هر دو شکل، بیت دچار اشکال تکرار قافیه است؛ اطلال در بیتی دیگر از همین قصیده، به جا و درست قافیه شده است. آن بیت را به همراه یک بیت پیش از آن در اینجا می آوریم:

بسا به چرخ برآورده کاخ دشمن تو بیارمیده ز بیم زوال و یافته هال

که باز خورد بدو باد زنده پیل تو شاه کنون رسوم دیارست و کند و مند اطلال

(همان: ۱۷۷)

همان طور که دیده می شود، این دو بیت از نظر معنایی به هم مرتبط اند و «اطلال» در بیت معنای درستی دارد؛ «کند و مند» یعنی ویران و خراب؛ و «اطلال»، جمع طلل، به معنای آثار باقی مانده از خانه های ویران است.

ولی در بیت مورد بحث، به جهت معنایی، در محل قافیه باید سخن از چیزی باشد که متضاد «مغاک» به شمار بیاید؛ و مفهوم بیت باید اینگونه باشد: از بس بدره های زر زیاد است، مغاک (چاله و گودال) پر می شود و آن را از پشته و بلندی نمی شود تشخیص داد.

در دستنویس ها «ك» (گ ۳۹) و «مونس ۲» (ص ۵۹۶) به جای این کلمه، قلال آمده^۷ که با این ضبط، بیت هم از نظر معنایی صورت مناسب تری می یابد و هم ایراد قافیه برطرف می گردد. «تلال» جمع تلّ و به معنی پشته بلند و کوه پست است (نک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «تل» و «تلال»).

در دستنویس هایی که قریب نام آن ها را «ق»، «ب» و «ر» ضبط کرده، واژه «طلال» به جای «اطلال» آمده است و از آنجا که طلال (جمع طلّ، به معنی مار، شیر، پیه و باران نرم) از نظر معنایی مناسب نبوده، کاتبان بعدی، «اطلال» را جایگزین آن نموده اند؛ اما «طلال» در این دستنویس ها همان «تلال» است؛ البته بایک غلط نگارشی و این اتفاق در کتابت بسیار رخ می داده است؛ به ویژه زمانی که متن

۶. شادروان دبیرسیاقی در پاورقی مربوط به این بیت، به این تکرار قافیه اشاره کرده است.

۷. «مونس ۱» بیت را ندارد.

برای کاتب املامی شده است.

با این توضیحات، بیت را باید بدین گونه اصلاح کرد:

اگر عطا دهد این ره که باز گردد پیل ز بدره باز ندانسی مغناک را ز تلال

ص ۱۷۸، بیت ۶:

دو بدره زر بفرستاد و دو هزار درم برغم حاسد و تیمار بدسگال نکال

بیت در مجمع الفصحاء هدایت (۱۳۸۲: ۱/ ۱۳۶۲) به همین شکل درج شده و مصراع اول آن در چاپ قریب (۱۳۴۱: ۲۰۷) با کمی تفاوت در ضبط به این صورت آمده است: «دو بدره زر بفرستاد و دو هزار تمام».

بیت در هر دو ضبط، از لحاظ معنا و صورت هیچ اشکال و ایرادی ندارد، اما با نگاهی به دستنویس‌ها، می‌توان دریافت که صورت اصلی بیت چیز دیگری است؛ در دستنویس «ک» (گ ۳۹) مصراع اول به صورت «دو بدره زر فرستاد دو هزار تمام» و در «مونس ۲» (ص ۵۹۶) اینگونه است: «دو بدره زر فرستاد هر هزار تمام».

جز بخش آخر مصراع که به چاپ مصحح قریب نزدیک‌اند و به نظر درست می‌آید، باید گفت ضبط «فرستاد» نیز بر «بفرستاد» رجحان دارد؛ زیرا می‌دانیم که در آن دوره، در بیشتر مواقع «زر» به تشدید آخر تلفظ می‌شده است. برخی کاتبان متأخرتر که گوش ایشان با وزن عروضی آشنایی داشته و در دوره کتابت ایشان، دیگر واژه «زر» به تخفیف «ر» تلفظ می‌شده، به گمان خود، برای برطرف کردن اشکال وزنی بیت، «بفرستاد» را جایگزین «فرستاد» کرده‌اند، اما بیت با همان صورت اصلی خود، هیچ اشکال وزنی‌ای ندارد و درست است و اتفاقاً صورت اصیل‌تری دارد. در همین قصیده و در چند بیت دیگر نیز زر را باید مشدّد تلفظ کرد:

کجا شریف بود چون غضائری بر تو ز طبع باشد چونانکه زر سرخ و سفال

(← عنصری، ۱۳۶۳: ۱۷۹)

بس ای ملک که جهان را به شبهت افکندی که زر سرخست این باشکسته سنگ و سفال

(همان: ۱۷۴)

این مورد مختص غضائری نیست و آن را در دیوان دیگر شاعران هم روزگار او نیز می‌توان دید؛ برای نمونه در شعر عنصری (همان: ۶، بیت سوم؛ ۳۸، بیت دهم؛ ۳۴۱، بیت چهارم؛ و ...).

با این توضیحات، بیت را بدین صورت باید ویراست:

دو بدره زر فرستاد و هر هزار تمام به رغم حاسد و تیمار بدسگال نکال

همین اشکال را در بیت دیگری از همین قصیده می بینیم (نک: مورد بعدی).

ص ۱۷۹، بیت ۷:

دو بدره زر بگرفتم بفتح ناراین به فتح رومیه صد بدره گیرم و خرطال

بیت در مجمع الفصحاء هدایت (۱۳۸۲: ۱/۱۳۶۳) با همین ضبط آمده و در چاپ قریب (۱۳۴۱: ۲۰۸) نیز، با کمی تفاوت در ضبط «ناراین» به جای «ناراین»، به چاپ رسیده است. شاعر در این بیت قصد تشویق پادشاه به فتح رومیه و در نتیجه گرفتن صله و غنیمت را دارد.

در برگ ۳۹ از دستنویس «ک»، به جای بگرفتم، گرفتم آمده است. کاتبان، به زعم خود، برای از بین بردن مشکل وزنی بیت، یک هجا به واژه «گرفتم» افزوده و آن را به صورت «بگرفتم» درآورده اند که درست نیست. با توجه به توضیحات پیش گفته، صورت درست بیت باید چنین باشد:

دو بدره زر گرفتم به فتح ناراین به فتح رومیه صد بدره گیرم و خرطال

ص ۱۷۸، بیت ۱۵:

امیدوارم کاین بار صد هزار تمام به من فرستند بر تال فیل بر فیتال

بیت در مجمع الفصحاء هدایت (۱۳۸۲: ۱/۱۳۶۲) نیز به همین شکل آمده و در چاپ قریب (ص ۲۰۷) با کمی تغییر و بدین گونه به چاپ رسیده است:

امیدوارم کاین سال صد هزار تمام به من سپارد بر تال فیل بر فیتال

شادروان دبیر سیاقی در کنار واژه «تال» نشانه پرسشی (؟) نهاده است. تال واژه ای هندی و به معنی روی، طبق سیمین و برنجین و مسی و نام سازی از جنس روی است که ظاهراً آن را تنها شاعران فارسی گویی که در هند می زیسته اند یا به هند سفری داشته اند، به کار برده اند (نک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «تال»). نیز در هندوستان، «قسمت زیرین خط افق»، «طبقه نخستین از هفت طبقه زیر زمین» و «فاصله میان سرانگشت میانه دست تا سرانگشت شست» را نیز تال گویند و همچنین نام درختی در هند و به معنی آبگیر نیز هست (همانجا).

اما هیچ یک از این معانی ارتباطی با معنای بیت ندارد. در دستنویس «ک» (گ ۳۹) به جای تال، یال آمده که همان درست است^۸؛ غضائری در این بیت خواهان صد هزار بدره دینار از ممدوح است که از

۸. در «مونس» نیز «بال» آمده که جای نقطه در پایین کلمه، «یال» را بیشتر تأیید می کند تا «تال» را.

گرانی و سنگینی، برای حمل کردن، باید آن‌ها را بر یال فیل نهاد.

امروز «یال» بیشتر برای حیواناتی چون اسب و شیر به کار می‌رود، اما آوردن «یال» برای فیل، در آن دوران معمول بوده است. بنگرید به نمونه‌های زیر:

آن کجا تیغش از کرگ فرود آرد پیشک
آن کجا گزش بر پیل فروکوبد یال
(فرخی، ۱۳۴۹: ۲۱۳)

برگشاده چو شرزه‌شیران چنگ
برکشیده چو زنده‌پیلان یال
(مسعود سعد سلمان، ۱۳۹۰: ۳۹۵)

همچنین باید به تناسب آوایی بین «یال» و «فیال» نیز توجه داشت.

نیز در «مونس ۱» به جای «امیدوارم»، «امید دارم» آمده که به نظر اصیل می‌آید و شاید به دلیل سراسر بودن «امیدوارم» و بسامد بالای امیدوار بودن، به «امیدوارم» تغییر یافته است (همچنین نک: صفا، ۱۳۸۵: ۵۷۵/۱ که همین ضبط «امید دارم» را آورده است). با این توضیحات، از نظر نگارنده، صورت زیر بر ضبط چاپ‌های دبیرسیاقی و قریب ترجیح دارد:

امید دارم کاین بار صد هزار تمام
به من فرستد بر یال فیل بر فیال
اشتباهی که در این بیت درباره‌ی واژه «یال» رخ داده، در قصیده‌ی دوم از غضائری نیز، از مصحح چاپ ۱۳۶۳ دیده شده است (نک: مورد سپسین).

ص ۱۹۲، بیت ۲:

[صدقت طعنه زند پیشه زنده‌پیلان را
بجهد خویش کند گرد زنده‌پیل مجال]
ولیکن آنگه کز بیخ کند بایسد کوه
بمعرکه اندر دندان پیل بایسد و بال

این بیت از قصیده‌ی دوم غضائری است که در چاپ قریب نیامده اما در مجمع الفصحاء هدایت (۱۳۸۲: ۱/۱۳۷۷) با تفاوت در ضبط مصراع اول (آمدن «آنگه ازو» به جای «آنگه کز») آمده است.

در این بیت هم «بال» نادرست و واژه‌ی درست، «یال» است؛

ولیکن آنگه کز بیخ کند بایسد کوه
به معرکه اندر دندان پیل بایسد و یال

یعنی «زمانی که باید در میدان جنگ کوه را از بیخ کند، دندان و یال فیل بایسته است [نه پشه]».

ص ۱۹۲، بیت ۷:

همیشه تا بنگاری بشکل ماند شکل همیشه تا بنویسی بدال ماند دال

این بیت از قصیده دوم غضائری است که در چاپ یحیی قریب نیامده ولی در مجمع الفصحاء هدایت (۱۳۸۲: ۱/ ۱۳۷۸) به همین صورت درج شده است.

اشاره سراینده به شیوه کتابت در زمان خودش است که معمولاً از گذاشتن نقطه و سرکش بر روی واژه‌ها خودداری می‌کردند و بنابراین نویسنش بعضی کلمات مختلف، همانند هم می‌شده است. در این بیت هم شاعر به چهار واژه اشاره دارد که دوبه دو در کتابت یکسان بوده‌اند. صورت درست مصراع نخست، همچنان بر نگارنده معلوم نشده است. هر چه هست باید چیزی شبیه به «شکر» و «سکر» باشد. اما در مصراع دوم، بی‌گمان یکی از این واژه‌ها «ذال» باید باشد و نه «دال». شاعران دیگری نیز، به همانندی نویسنش دال و ذال اشاره کرده‌اند؛ از جمله انوری (۱۳۷۶: ۱/ ۲۸۶)؛

که دال نیز چو ذال است در کتابت لیک به ششصد و نود و شش کمست دال از ذال

اینک پیشنهاد نگارنده برای بیت غضائری:

همیشه تا بنگاری به شکل ماند شکل (؟) همیشه تا بنویسی به دال ماند ذال^۹

جز این موارد، بیت زیر نیز که از قصیده دوم است و فقط در چاپ دبیرسیاقی درج شده، دچار اشکال شبه چاپی است که باید اصلاح شود:

ص ۱۹۰، بیت ۱۶:

غم و عناست مرا گفت زین ضیاع و عقار فغان همی کنم از رنج گنج وضعیت و مال

در مجمع الفصحاء هدایت (۱۳۸۲: ۱/ ۱۳۷۳) نیز همین اشکال در بیت دیده می‌شود. صورت درست:

غم و عناست مرا گفت زین ضیاع و عقار فغان همی کنم از رنج گنج و ضیعت و مال

برای تکمیل سخن، ابیات دیگری را نیز که باید در دیوان اصلاح شود اما تصحیح آن از نگارنده نیست و پیش‌تر هدایت در مجمع الفصحاء صورت درست آن‌ها را ذکر کرده، در اینجا می‌آورم:

ص ۱۸۹، بیت ۸:

فرود عرش هر آنجا که وهم برفکنی بوهم، همّت او را بود نشان فعال

این بیت از قصیده دوم غضائری است که در چاپ قریب نیامده است. بیت نه تنها از نظر معنایی گنگ است، بلکه از لحاظ قافیه نیز اشکال دارد. قافیه این بیت درست در یک بیت بعد تکرار شده است:

فرشته بی خطر آنجا گذر نکرد هگز
که پَر ناولک پیکان آن فرشته فعال

«فعال» در بیت مورد بحث، گشته «فعال» است. می دانیم که فعال جز آنکه جمع نعل به معنی کفش است، به معنای نعل اسب هم به فراوانی به کار رفته است. شاعر، همت ممدوح را همانند اسبی دانسته که در فرود عرش، هر آنجا که وهم آدمی به آن می رسد، نشان نعل آن نیز دیده می شود.

نعل در همین معنی، برای مثال چند بار در دیوان عنصری هم آمده است؛

خاک و باد و آب و آتش طبع ازان شد که اسب اوست
خاک طاق، آب گردش، بادپا، آتش نعل

(عنصری ۱۳۶۳: ۱۷۱؛ نیز نک: ۱۸۱)

صورت درست این بیت در مجمع الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۲: ۱/۱۳۷۰) آمده است:

فرود عرش هر آنجا که وهم برفکنی
به وهم، همت او را بود نشان نعل

ص ۱۹۰، بیت ۱۲:

اگر فغان کنم از بار شکر او نه شگفت
فغان ز لهُو و ز شادی بود نه از احوال

این بیت نیز از قصیده دوم غضائری است که در چاپ قریب نیامده اما در مجمع الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۲: ۱/۱۳۷۳) صورت درست آن را می توان دید (نک: سطور سیسین). قافیه این بیت («احوال») در همین قصیده و در چند بیت پس از آن، باز هم تکرار شده است. آن بیت دیگر:

نه کردگار ز جهال روزگار مسیح
خبرش داد ازین قیل و قال و آن احوال

(← عنصری، ۱۳۶۲: ۱۹۰)

چنانچه می بینیم، آمدن «احوال» در این بیت هیچ اشکال معنایی ای ندارد و به درستی قافیه شده است. اما در بیت مورد بحث، «احوال» باید گشته کلمه دیگری باشد تا هم معنا درست باشد و هم ایراد تکرار قافیه برطرف گردد.

غضائری در قصیده «بس ای ملک...» در واکنش به فراوانی صلوات و عطایایی که محمود غزنوی در قبال شعرهای او، بدو بخشیده بود، این بیت را سروده بود:

روا بود که ز بس بار شکر نعمت شاه
فغان کنم که ملالم گرفت زین اموال

(همان: ۱۷۴)

و عنصری، ملك الشعراى دربار محمود، بر غضائری خرده گرفته و در انتقاد از این بیت، بیت زیر را سرود:

فغان کنند ز جودت، فغان نباید کرد فغان ز محنت و از رنج باید و احوال
(عنصری، ۱۳۶۲: ۱۸۳)

و دوباره، غضائری در پاسخ به عنصری، بیت مورد بحث را سروده است؛ «اگر فغان کنم از بار شکر او نه شگفت...».

بیت گذشته از ایراد قافیه مکرر، بیت از لحاظ معنایی نیز اشکال دارد. و برای رفع این اشکال، واژه «اهوال» باید جایگزین «احوال» شود. بیت پیش گفته از عنصری نیز مؤید این نظر است. از نظر عنصری «باید از محنت و رنج و احوال فغان کرد، نه از جود پادشاه»؛ که غضائری در پاسخ وی گفته: «فغان من از لهُو و شادی است، نه از احوال». احوال جمع هول و به معنی ترس است. بر این اساس صورت اصلی بیت غضائری باید چنین باشد:

اگر فغان کنم از بار شکر او نه شگفت فغان ز لهُو و ز شادی بود نه از احوال

ص ۱۹۱، بیت ۱۱:

[وگر بشاعری من مقرر نیاید او چنانکه گفت نه جنگست مر مرا نه جدال]

نه عجز بود کلیم خدای را چو عدو بحیله گفت همی ازدها کنم بجبال

این بیت نیز از همان قصیده دوم غضائری است که در چاپ قریب درج نشده است. بی‌گمان صورت درست قافیه در بیت دوم «حبال» (به معنی ریسمان‌ها) است و نه «جبال». بیت اشاره دارد به داستان موسی و فرعون و جادوان. امیرمعزی (۱۳۱۸: ۴۴۶) گفته است:

که کلیمی سازد از موسی و در دستش کند از عصایی ازدهایی تا بیوبارد حبال

هدایت در مجمع الفصحاء (۱۳۸۲: ۱ / ۱۳۷۵) مصراع دوم را به صورت درست آورده است:

نه عجز بود کلیم خدای را چو عدو به حیله گفت همی ازدها کنم ز حبال

ص ۱۹۱، بیت ۱:

دوست گفتم کت صد هزار سال بقاست ببخش خردک بانداز، ای شه ابطال

بدیهی است آغاز بیت باید به صورتی باشد که در مجمع الفصحاء (هدایت، ۱۳۸۲: ۱ / ۱۳۷۴) آمده:

درست گفتم کت صد هزار سال بقاست ببخش خردک بانداز، ای شه ابطال

ص ۱۹۱، بیت ۲۰:

اگر نبود سزاوار بدره شهر رهی تفضل است و تفضل به است گاه نوال

صورت درست در مجمع الفصحاء هدایت (۱۳۸۲: ۱ / ۱۳۷۶) آمده:

اگر نبود سزاوار بدره شهر رهی تفضل است و تفضل به است گاه نوال



منابع چاپی:

امیرمعزی، امیرالشعراء محمد بن عبدالملک نیشابوری (۱۳۱۸ ش). دیوان امیرالشعراء محمد بن عبدالملک نیشابوری متخلص به معزی، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی اسلامیة انوری ابیوردی، اوحدالدین (۱۳۷۶ ش). دیوان انوری (۲ جلد)، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی

بدر جاجرمی، بدرالدین محمد بن بدر (جلد اول: ۱۳۳۷ ش؛ جلد دوم: ۱۳۵۰ ش). مونس الاحرار فی دقایق الاشعار (۲ جلد)، با مقدمه علامه محمد قزوینی، به کوشش میرصالح طبیبی، چاپ اول، تهران: چاپ اتحاد (ج ۱)، چاپ انجمن آثار ملی (ج ۲).

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ ش). لغتنامه دهخدا، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا صفا، ذبیح الله (۱۳۸۵ ش). تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات فردوس

عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن بن احمد (۱۳۶۳ ش). دیوان استاد عنصری بلخی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ دوم، تهران: سنایی

_____ (۱۳۴۱ ش). به کوشش یحیی قریب، چاپ دوم، تهران: مرکز فروش کتابخانه ابن سینا فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ (۱۳۴۹ ش). دیوان حکیم فرخی سیستانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ دوم، تهران: زوآر

فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۵۸ ش). سخن و سخنوران، چاپ سوم، تهران: خوارزمی مسعود سعد سلمان (۱۳۹۰ ش). دیوان مسعود سعد سلمان، به کوشش محمد مهیار، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منوچهری دامغانی (۱۳۹۰ ش). دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، چاپ هفتم، تهران: زوآر هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۲ ش). مجمع الفصحا (دو جلد در شش مجلد)، به کوشش مظاهر مصفا، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر

دستنویس ها:

بدر جاجرمی، بدرالدین محمد بن بدر، مونس الاحرار فی دقایق الاشعار، دستنویس شماره ۱۱۲۷۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

جنگ اشعار، دستنویس شماره ۴۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، متأخر جنگ شماره ۵۳- د کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، کتابت: سده دوازدهم (؟) خلاصه الاشعار و زیده الافکار، دستنویس شماره ۲۷۲ ف کتابخانه مجلس شورای اسلامی، اهدایی سرلشگر مجید فیروز (ناصرالدوله)، فراهم آورده تقی الدین محمد بن شرف الدین علی الحسینی الکاظمی، تاریخ کتابت: ۱۰۰۷ ق

مونس الاحرار فی دقایق الاشعار، دستنویس شماره ۳۷/H.G.۵۱ کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره هند، میکروفیلم شماره ۳۷۸۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، گردآورده لطیف الدین احمد کلاتی اصفهانی، کتابت: سده ۱۳- ۱۴ ق